

بررسی رویکردهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال بحران سوریه

دکتر فاضل فیضی^۱ - مریم جواهران^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۳۰

چکیده:

شروع اعتراضات سوریه از مارس ۲۰۱۱ پس از دومینوی انقلاب‌های عربی، اگر چه با خواسته‌های مردمی همراه بود، اما با فاصله‌ای اندک، صحنه سیاسی سوریه را دچار اغتشاشات و ناآرامی‌هایی کرد که متأثر از حمایت‌ها و دخالت‌های خارجی بود. با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مطابق مقدمات و محذورات خود، همچنین با تبعیت از آموزه‌های رئالیستی حاکم بر سیاست خارجی خود که مبتنی بر آموزه‌های واقع‌گرایانه می‌باشد؛ درصدد تأمین حداکثر منافع ملی خویش در ابعاد گوناگون از طریق مشارکت در بحران سوریه برآمدند. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی تهیه شده است.

واژگان کلیدی: سوریه، بحران، خاورمیانه، منافع، قدرت، قدرت منطقه‌ای، اتحادیه اروپا، آمریکا

- استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران

Fazel_Feizy@yahoo.com

- آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران

m.javaheeran@yahoo.com

مقدمه:

پس از پایان جنگ جهانی دوم تا به امروز، منطقه خاورمیانه از بحرانی‌ترین مناطق جهان به شمار می‌رود، این منطقه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و دارا بودن ذخایر انرژی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است. از آغاز سال ۲۰۱۱ نیز، در خاورمیانه تحولاتی اساسی رخ داده است، در پی جنبش‌های مردمی و تحولات جدید در خاورمیانه و شمال آفریقا بسیاری از نظام‌های سیاسی و نظم منطقه‌ای تغییر یافته و الگوهای مختلفی از تحولات در کشورهای مختلف رخ داده است که تفاوت‌های زیادی با هم داشته‌اند؛ در این میان وضعیت سوریه با کشورهای دیگر متفاوت است و تداوم و تشدید بحران در آن با درگیری مخالفین و دولت همچنین مداخله خارجی همراه است، اگر چه خواسته‌های مردمی در شکل‌گیری و تداوم بحران سوریه (مارس ۲۰۱۱) نقش مهمی دارند اما با نگاهی به نقشه صف آرای‌های منطقه، نقش عوامل خارجی در این اعتراضات را نباید نادیده گرفت. با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ذی‌نفع و تأثیرگذار، بر اساس منافع و علایق خود جهت‌گیری‌های مختلفی را در رابطه با این کشور، اتخاذ نموده‌اند. بدیهی است هر یک از بازیگران تلاش می‌کنند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای هدایت و مدیریت کنند که منافع حداکثری آنها در این کشور تضمین شود. فرضیه اصلی نگارنده این است که هدف اصلی کشورهای دخیل (قدرت‌های مخالف دولت سوریه) در بحران این کشور، کسب حداکثر منافع و تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای است، نوشتار حاضر با بهره‌گیری از نظریه رئالیسم به تبیین رقابت قدرت‌ها در جریان تحولات سوریه می‌پردازد.

چارچوب نظری:

مهمترین کارکرد نظریه‌های روابط بین‌الملل تبیین و توضیح رویدادهای جهانی و پیش-بینی آینده آن است. البته ممکن است رویدادی همزمان براساس چندین نظریه قابل تبیین باشد. در نوشتار حاضر برای تبیین رقابت میان کشورهای مختلف در تحولات اخیر سوریه که از مارس ۲۰۱۱ آغاز شده است، می‌توان از نظریه رئالیسم بهره برد. برای چند دهه متوالی تهدید، جنگ، بحران، تنش و بی‌ثباتی سیاسی، همواره از مشخصه‌های منطقه خاورمیانه بوده است که بازیگران مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن ایفای نقش نموده‌اند. از همین رو مصادیق تجربی و واقعیت‌های عینی خاورمیانه‌ای بیش از هر مدل دیگری با تئوری رئالیسم قابل تبیین و توصیف است.

تعریف رئالیسم

نظرات موجود در روابط بین‌الملل به دو دسته کلی رئالیسم (واقع‌گرا) و نئورئالیسم (نوواقع‌گرا) تقسیم می‌شود، نظرات واقع‌گرایانه جهان و تحولات آن را همانگونه که هست می‌پذیرد، بدون آن که به دنیال تحمیل اصول اخلاقی خاص خود به آن باشد؛ رئالیست-ها بر جدایی میان خیر سیاسی و خیر اخلاقی، درس‌های تاریخ و تلقی از سیاست به عنوان مبارزه قدرت تأکید دارند. در واقع رئالیست‌ها جنگ را نتیجه تضاد میان منافع بازیگران در عرصه سیاسی می‌دانند و به چهار عنصر اندیشه سیاسی، یعنی هدفی مشخص، جاذبه عاطفی، قضاوت اخلاقی و زمینه‌ای برای عمل بی‌توجه هستند در مقابل رئالیست‌ها، آرمان‌گرایان بدون تشخیص بنیاد مادی کل سیاست، امکان هماهنگی طبیعی منافع را مطرح می‌کنند و بر تعمیم فرایندهای حقوقی و اخلاقیات حاکم بر جوامع داخلی به سطح بین‌المللی تأکید دارند. در واقع به جرأت می‌توان از رئالیسم به

عنوان مهمترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل نام برد. (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۷۳) جاذبه بی بدیل این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران در عرصه بین‌الملل و همچنین نزدیکی آن با فهم متعارف از سیاست بین‌الملل است. رئالیست‌ها از این منظر چشم‌انداز خود را واقع‌گرایانه می‌دانند که با واقعیت بین‌المللی همخوانی دارد، آنان وجود یک سنت دیرینه واقع‌گرایانه را بیانگر تداوم و پایداری واقعیات سیاست میان ملت‌ها می‌دانند. (همان: ۷۴) رئالیست‌ها معتقدند ارزش‌ها و اخلاق در هر کشوری مختص همان کشور است و نباید آنها را به دیگر کشورها ارسال کرد، اصولاً رئالیست‌ها بر قدرت متکی هستند و معتقدند این موضوع نیز به قدرت طلبی و بدذاتی انسان باز می‌گردد، رئالیست‌ها انسان را ذاتاً شرور می‌دانند و معتقدند روابط میان دولت‌ها در جامعه بین‌الملل بر اثر قدرت به وجود می‌آید که این قدرت می‌تواند شامل قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی باشد اما آنها قدرت نظامی را مهمترین نوع قدرت می‌دانند و قدرت اقتصادی را مقدمه دستیابی به قدرت نظامی تلقی می‌کنند. (نای: ۱۳۸۷) در واقع آنارشی، ترس، بقا محوری، قدرت محوری، دولت محوری، ثبات، تعارض و منازعه در نظام از مهمترین مفروضات رئالیسم به شمار می‌رود. (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۸۰)

چگونگی شکل‌گیری بحران سوریه

ناآرامی و خیزش‌ها در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا از آنجا آغاز شد که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ در شهر "سیدی بوزید" تونس، پلیس، گاری دستی غیرمجاز یک جوان ۲۶ ساله سبزی فروش را مصادره کرد. محمد بوعزیزی که از این واقعه احساس تحقیر و ناتوانی می‌کرد، به یک ساختمان محلی دولتی رفت و خود را به آتش کشید. این واقعه پیش درآمد اعتراضات سیاسی گسترده‌ای شد که در نهایت به سقوط بن علی

در تونس انجامید. تأثیر سرایتی این رویداد بر سایر جوامع عرب به گونه‌ای بود که چند صباحی بعد "حسنی مبارک" نیز در مصر سقوط کرد. (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۳) در لیبی سرسختی و خشونت فراگیر حکومت معمر "قذافی" را به دنبال داشت که سرانجام با دخالت نظامی کشورهای عضو ناتو، سقوط دیکتاتوری قذافی را به دنبال داشت، در یمن نیز قیام مردم باعث سقوط دیکتاتوری "علی عبدالله صالح" شد، همچنین دامنه اعتراضات کشورهای مختلفی چون بحرین، و سوریه را فرا گرفت و در کشورهای دیگری چون مراکش، اردن و عربستان سعودی نیز اعتراضاتی به وقوع پیوست. در واقع خودسوزی محمد بو عزیز جوان دست فروش تونسی نه تنها خشم مردم را نسبت به نظام دیکتاتوری بن علی شعله ور کرد بلکه تونس را طلایه‌دار خیزش نوینی کرده که تاکنون خواب از چشم نظام‌های دیکتاتوری ظالم و مستبد ر بوده است. این امواج خیزش‌ها در ایران به عنوان «بیداری اسلامی» و در جهان غرب و کشورهای عربی به عنوان «بهار عربی» شناخته می‌شوند. با شروع بهار عربی و خیزش جنبش‌های رهایی بخش خاورمیانه که منجر به سقوط چندین حاکم مستبد در کشورهای اسلامی گردید، مردم سوریه نیز از این حرکت بی‌نصیب نماندند. جرقه بحران در سوریه از آنجا آغاز شد که چند دانش‌آموز با نوشتن شعارهای ضدحکومتی بر در و دیوار شهر موجب خشم مقامات امنیتی سوریه شدند. زمانی که نیروهای امنیتی به دستگیری این دانش‌آموزان اقدام کردند، با اعتراض خانواده‌های آنان مواجه شدند، ولی با برخورد نظامی و امنیتی به آنان پاسخ دادند. ارتش سوریه که هیچگونه تجربه‌ای در مهار اعتراضات خیابانی نداشت، فکر می‌کرد همانگونه که برای مقابله با دشمن فرضی در پادگان‌ها آموزش دیده است، باید با مردم بی‌دفاع برخورد کند، غافل از این که این آتش زیر خاکستر نهایتاً به آتشفشانی عظیم مبدل خواهد شد..

نقطه آغاز بروز بحران سیاسی سوریه، سال ۲۰۱۱ و انجام تظاهرات‌هایی به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای، پیرامونی و شهرهای کوچک سوریه برای مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی بوده است. در شرایطی که اعتراضات مردم به دلیل وادار کردن نظام به اصلاحات داشت به نتایج قابل قبول می‌رسید، برخی از گروه‌های مخالف نظام دست به اسلحه بردند و اعتراضات به مرحله خونبار خود رسید. (آجرلو، ۱۳۹۰: ۵۹) درباره تحولات سوریه تفاسیر و دیدگاه‌های مختلف و حتی متعارضی وجود دارد. برخی از تحلیل‌گران چنین فرایندی را ناشی از گروه‌های اجتماعی در سوریه می‌دانند. آنان در تحلیل خود، رویکرد مبتنی بر اقتدارگرایی سیاسی دولت سوریه را عامل اصلی بحران می‌دانند. گروه دیگری بر این اعتقادند که سوریه مرز ژئوپلیتیکی رادیکالیسم سیاسی محافظه کاری جهان غرب محسوب می‌شود. بنابراین آمریکا و کشورهای محافظه کار عرب در صدد هستند تا زمینه افول قدرت دولت‌های رادیکال را فراهم آورند. (متقی، ۱۳۹۰: ۹) گروه اول ناآرامی‌ها و بحران در سوریه را تنها امتداد جنبش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌دانند. در این نگاه، سوریه همانند کشورهای عربی، گرفتار مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که مردم آن برای رهایی از این مشکلات، دست به اعتراض و مبارزه علیه رژیم زده‌اند. از طرف دیگر، عده‌ای از ناظران بین‌المللی بر این اعتقادند که حوادث سوریه بیش از آنکه منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبع خارجی است و مشکلات داخلی سوریه عرصه و فرصتی برای بهره برداری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. بر اساس این استدلال، سوریه همچنان قربانی می‌شود، نه تنها در درگیری‌های خشونت آمیز با ارتش بلکه با سیاست‌های مختلف بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۹۹) برخی از کارشناسان معتقد به دیدگاه و تحلیل دوم، با استناد به دخالت‌های آمریکا، فرانسه، آلمان، اسرائیل، عربستان سعودی، قطر و ترکیه در بی‌ثبات‌سازی سوریه، بر این

باورند که جوهره اعتراضات در این کشور، متفاوت از جنبش‌های مردمی کشورهای منطقه است. براساس این دیدگاه مداخله بازیگران خارجی در تحولات داخلی سوریه به منزله یاری به مردم نیست بلکه مردم توسط عوامل بیرونی مسلح و مجهز شده و سپس کشته می‌شوند.

ترکیه

ترکیه و سوریه از گذشته تاکنون در روابط خود با مشکلاتی مواجه بوده‌اند. با نگاهی به گذشته تاریخی روابط این دو کشور این نکته محرز می‌شود که روابط آنها از مناسبات گرمی برخوردار نبوده است و همواره سایه اختلافات بر روابط دو جانبه دو کشور طنین انداز بوده است. در این میان سه اختلاف اصلی بر روابط این دو کشور تاثیرگذار بوده است. اختلاف ارضی در مورد استان هاتای، تقسیم منابع آبی مشترک و مسأله کردها، سه عامل مهم و اختلاف‌انگیز در روابط ترکیه و سوریه بوده‌اند. این اختلافات در گذشته با درجات مختلفی از شدت و ضعف بر روابط ترکیه و سوریه سایه انداخته‌اند و همواره باعث ایجاد تزلزل در روابط دوجانبه این کشورها بوده‌اند.

رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه

به زعم تحلیلگران، در سیاست خارجی ترکیه، ترکیبی ناهمخوان از غرب‌گرایی، ملی-گرایی، منطقه‌گرایی مسالمت جو، برتری طلبی منطقه‌ای، سکولاریسم، عرف‌گرایی، استقلال طلبی، مردم‌گرایی و ترک‌گرایی وجود دارد که منجر به برخی از رفتارهای متناقض در عرصه سیاست خارجی این کشور در دهه‌های اخیر شده است. یکی از رفتارهای سوال برانگیز ترکیه، سیاست خارجی این کشور در قبال بحران سوریه است که با روند رفتارهای چند سال اخیر دولت اردوغان در عرصه بین‌المللی در تناقض آشکار

است. در حالی که سیاست خارجی حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه از آغاز سال ۲۰۰۰ مبتنی بر تنش‌زدایی با همسایگان و گرایش به نقش‌آفرینی مثبت و مستقل منطقه بود، ناگهان با بحران سوریه، این سیاست دچار چرخش شده و مبنای تبعیت مشروط و همراهی با غرب به ویژه دولت آمریکا گسترش یافته است. (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۱۹) به طور کلی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال تحولات سوریه را باید به دو دوره مجزا تقسیم کرد.

مرحله اول؛ نصیحت و ارشاد

این دوره با آغاز شکل‌گیری بحران در سوریه از ۱۵ مارس ۲۰۱۱، آغاز می‌شود و تا نیمه آوریل همان سال امتداد می‌یابد. در این برهه زمانی شاهد خطاب‌های مکرر سیاست‌مداران ترک برای اقناع اسد برای انجام اصلاحات بودیم. در ابتدا دولت آنکارا با تشویق بشار اسد به انجام اصلاحات اساسی در سوریه در صدد حل بحران این کشور که بی‌تردید امنیت و منافع ملی این کشور را تحت تأثیر قرار می‌داد برآمد، در این دوره آنکارا ابتدا تلاش کرد تا حکومت بشار اسد را به اصلاحات ترغیب نماید و تمام سعی و تلاش خود را برای مهیا کردن راه و روش برای چگونگی و نحوه انجام اصلاحات در سریعترین زمان در سوریه انجام داد. در همین راستا رجب طیب اردوغان، در آوریل ۲۰۱۱ داوود اوغلو و گروهی از مقامات بلند پایه را به دمشق فرستاد. در این دیدار بر لزوم انجام اصلاحات در اسرع وقت و همچنین بر ضرورت مذاکره با مخالفان و امتیازدهی به گروه‌های دیگر اشاره شد. (باگیر، ۲۰۱۱: ۷)

مرحله دوم؛ تهدید و فشار

این دوره از ۱۵ آوریل ۲۰۱۱ آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد. با گذشت زمان، دولت آنکارا به این نتیجه رسید که نصیحت و ارشادات آنان به دولت سوریه و شخص اسد در جهت مخالف خواسته‌های آنان می‌باشد، این امر موجب شد که سیاست‌های آنکارا بر محور نزدیکی بیشتر به اپوزیسیون و رویارویی با دولت بشار اسد چرخش پیدا کند، مقامات ترک همواره خطاب‌هایی مکرر بالحن تند در مورد مسائلی همچون لزوم کناره‌گیری بشار اسد و عدم سکوت در مورد تحولاتی که در داخل سوریه رخ می‌دهد، بیان کرده‌اند. (حسام، ۲۰۱۳: ۱۶۸) ترکیه به عنوان میزبان شورای ملی سوریه و ارتش آزاد این کشور به طور آشکار و پنهان با اعطای کمک‌های مالی و نظامی در کنار اپوزیسیون قرار گرفت و بر پیچیدگی بحران سوریه افزود. ترکیه یکی از اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای تأثیرگذار در بحران سوریه است که به رغم رویکرد محتاطانه اولیه و کوتاه مدت خود، با حمایت از گروه‌های مخالف و انتقال کمک‌های مالی و تسلیحاتی به مخالفین بر رویکرد تغییر رژیم در سوریه پافشاری کرده است. (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۵۹) آنکارا با دادن تسهیلات سیاسی و لجستیکی به مخالفان سیاسی و نظامی دمشق گام‌های زیادی در روند سیاست خصمانه و دشمنی علیه دولت سوریه برداشته است. تشدید حوادث در سوریه، ترکیه را مجبور به رها کردن سیاست صفر کردن مشکلات کرده است. به عبارتی در ماه‌های نخست ماجرای سوریه، ترکیه تصمیم نهایی در مورد برخورد با بشار اسد نداشت، اما با گذشت زمان، بدون شک اردوغان آتش در سوریه را به عنوان یک فرصت منحصر به فرد تاریخی برای تسلط منطقه‌ای دید و در حال شرط بندی و ریسک در سوریه است. آنکارا در بازی خود در حال منزوی کردن و مجازات بشار اسد است و معتقد است سرمایه‌گذاری بر روی او باصرفه نیست. در حال حاضر آنکارا متوجه شده است که اسد آینده‌ای ندارد، بنابراین باید روی شورش‌ها سرمایه‌گذاری کند. سیاست خارجی ترکیه مؤید این است که رویکرد اخلاقی به سیاست، چشم‌انداز خامی است و در این راه ممکن است نیاز

به قربانی کردن دیگران به نفع خود باشد. ترکیه در حال حاضر به آن امیدوار است، که با تغییر نظام در سوریه موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود بخشد. (برزگر، ۱۳۹۲: ۱۹۳)

اتحادیه اروپا

واکنش اتحادیه اروپا به تحولات سوریه موقت و نامشخص بوده در حالی که این اتحادیه از پتانسیل‌های بیشتری برای تأثیرگذاری در جریان‌ات این کشور برخوردار است. از زمان آغاز ناآرامی‌ها در سوریه کشورهای اتحادیه اروپا به دلایل فراوانی در ایجاد ابزارها و سازوکارهای لازم برای تأثیرگذاری به عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای در گستره بحران سوریه ناموفق بوده‌اند یکی از نقاط ضعف اتحادیه اروپا در قبال تحولات سوریه عدم برخورداری از دیدگاه واحد در سیاست خارجی خود است، امری که از منافع و دیدگاه‌های مختلف کشورهای بزرگ اروپایی نشأت می‌گیرد، این امر رسیدن به سیاست مشترک و مصالحه در نوع برخورد با تحولات سریع منطقه را دچار مشکل کرده است. وجود ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا رسیدن به مصالحه و تصمیم مشترک را دشوار می‌سازد. (نیاکویی، بهمنش: ۱۳۹۱) اتحادیه اروپا سعی دارد با توسل به اهرم‌های فشار علیه حکومت بشار اسد، سوریه را وادار به عقب نشینی و پذیرش شروط اتحادیه کند، اتحادیه اروپا تمام اعضای شورای امنیت را به اتخاذ تدابیر مسئولانه درباره اوضاع سوریه ترغیب نموده است. آزادی بازداشت شدگان سیاسی، جبران خسارت آسیب دیدگان؛ اعلام اصول روشن و مدون از طرف رییس جمهور و تعیین ضمانت‌های اجرایی اصلاحات، تفکیک ارتش از زندگی سیاسی، آغاز تماس‌های جدی سیاسی میان رییس جمهوری و نمایندگان جریان‌های معارض، موافقت نظام بعث با شکل‌گیری نظامی دموکراتیک، تشکیل دولت وحدت ملی ائتلافی که مقبول همه جریان‌های سیاسی باشد از جمله موارد مطروحه در

اتحادیه عرب است که در واقع مدنظر اتحادیه اروپا نیز هست؛ اتحادیه اروپا مخالف حمله نظامی به سوریه می‌باشد و این مخالفت خود را به صورت ضمنی اعلام کرده است.

تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه و کمک‌های آن به مخالفان دولت

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ یک توافقنامه همکاری با سوریه امضا کرد که در سال ۲۰۰۸ مورد تجدید نظر قرار گرفت اما مراحل تصویب رسمی آن به دنبال تحولات سوریه در مارس ۲۰۱۱ و به بهانه نحوه عملکرد دولت بشار اسد در این حوادث به تعویق افتاد. پس از آن مجموعه گسترده‌ای از تحریم‌های این اتحادیه علیه دولت سوریه با هدف تحت فشار قرار دادن آن جهت پذیرش آتش بس و مذاکره تصویب شد. این تحریم‌ها شامل انسداد دارایی‌ها، ممنوعیت سفر، تحریم تجهیزاتی که به ادعای اروپایی‌ها ممکن است برای سرکوب داخلی و یا نظارت بر ارتباطات استفاده شود و همچنین اعمال محدودیت بر واردات نفت سوریه و صادرات تجهیزات و فرآورده‌های نفتی این کشور است. اتحادیه اروپا ۱۲۹ میلیون یورو از کمک‌های دوجانبه خود را به دولت سوریه در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ و همچنین تأمین مالی و پرداخت وام را متوقف کرده است. در دسامبر ۲۰۱۲ نیروهای مخالف دولت سوریه را به رسمیت شناخت و ۶۲۶ میلیون یورو تحت عنوان کمک‌های انسان دوستانه به پناهندگان و بازماندگان در سوریه اعطا کرد که از این مبلغ ۲۶۵ میلیون یورو از بودجه کمک‌های بشردوستانه اتحادیه اروپا و بیش از ۲۶۱ میلیون یورو از کشورهای عضو بوده است. (احمدخان بیگی، ۱۳۹۲: ۱۰۲۴)

کشورهای اروپایی همچنین کمک‌های نظامی فراوانی را به شورشیان مسلح سوریه ارائه دادند. در این راستا اتحادیه اروپا به طور رسمی تحریم‌های تسلیحاتی خود در سوریه را به منظور انتقال وسایل و تجهیزات رفاهی به مخالفان و فشار به دولت بشار اسد لغو کرد. این اتحادیه در آوریل سال ۲۰۱۳ محدودیت‌های خود را به منظور فراهم کردن اجازه

واردات نفت خام برای تقویت امور مالی نیروهای مخالف سوریه کاهش داد و با وجود آگاهی از این امر که صادرات اسلحه به مخالفان می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. تعدادی از تحریم‌های خود را به منظور کمک به مخالفان سوری لغو کرد و به کشورهای عضو اجازه داد تا معاملات و سرمایه‌گذاری‌های خود در حوزه‌های مرتبط با نفت را با ائتلاف مخالفان ادامه دهند. علاوه بر آن محدودیت‌های مالی برای کمک به نیروهای شورشی و برقراری روابط اقتصادی با غیرنظامیان در مناطق مختلف کنترل شورشیان نیز برداشته شد و در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۳، اتحادیه اروپا شاخه نظامی حزب الله را به دلیل پشتیبانی تاکتیکی یک گروه شبه نظامی لبنان برای کمک به دولت سوریه به عنوان یک سازمان تروریستی مورد تحریم قرار داد. سیاستمداران اروپایی بحث مسلح کردن شورشیان در سوریه و مداخله نظامی احتمالی را نیز مورد بحث قرار دادند اما میان آنها اختلاف نظرهای بسیاری وجود داشت. در اوایل سال ۲۰۱۳، انگلیس و فرانسه تلاش‌هایی را برای لغو تحریم‌های تسلیحاتی اتحادیه اروپا در سوریه به منظور مسلح کردن نیروهای اپوزیسیون انجام دادند و در اواخر ماه مه با وجود مخالفت و اعتراض تعدادی از اعضا تحریم تسلیحاتی به پایان رسید. اقدامات اروپایی‌ها پس از تهدید آمریکا به حمله نظامی پس از بهانه حمله شیمیایی ۲۱ اوت ۲۰۱۳ و ادعای مخالفان مبنی بر استفاده دولت سوریه از این سلاح‌ها و تهدید آمریکا به حمله نظامی علیه دولت بشار اسد، وزرای امور خارجه کشورهای اتحادیه اروپا در دیداری با جان کری، وزیر خارجه آمریکا بر خواسته‌های این اتحادیه مبنی بر ارائه پاسخی روشن و قدرتمند به حملات شیمیایی در سوریه تأکید کردند. اما به دلیل نگرانی از گسترش هرج و مرج و افراط‌گرایی در صورت وقوع جنگ و تردید نسبت به مؤثر بودن یا نبودن اقدام نظامی، از وی خواستند تا زمان ارائه گزارش بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل در مورد اتهام دولت سوریه به استفاده از سلاح‌های شیمیایی، اقدام نظامی ایالات متحده به این کشور را به تعویق بیندازند. در

این راستا "کاترین اشتون" مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ضمن این که خواستار بررسی فوری و کامل اتهام استفاده دولت سویه از سلاح‌های شیمیایی شد. تصریح کرد: جامعه بین‌الملل در مقابل استفاده از سلاح‌های شیمیایی نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند. چنین جنایاتی غیرقابل قبول بوده و بدون مجازات نخواهد ماند و مستلزم پاسخی روشن و قاطع است. در همین حال "آندرس فوگ راسموسن" دبیرکل ناتو نیز ضمن مسئول دانستن دولت بشار اسد در جمله شیمیایی ۲۱ اوت اعلام کرد: تصورش این است که حمله‌ای کوتاه، دقیق و هدفمند علیه سوریه انجام شود، لذا نیازی به ایفای نقش ناتو نیست. (Euronews, 2 sep, 2013) بنابراین به صورت تلویحی از اعلام حضور ناتو در جنگ احتمالی علیه سوریه خودداری کرد. در این زمینه برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان و انگلیس با وجود اینکه سیاست‌هایی را در جهت همراهی آمریکا در پیش گرفته‌اند اما نسبت به حمله نظامی موضع منفی اتخاذ کردند. به طوری که با وجود متفاوت بودن مواضع هر یک از کشورهای اروپایی در قبال حمله نظامی آمریکا به سوریه، موضع اتحادیه اروپا نسبت به این بحران تا حد امکان ممانعت از جنگ بود.

مواضع اتحادیه اروپا پس از توافق آمریکا و سوریه

موضع اتحادیه اروپا پس از توافق ۶ ماده‌ای آمریکا و روسیه نیز همچنان بر خلع سلاح سوریه تأکید داشت. کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای خواستار بازرسی کامل تمام انبارها و پایگاه‌های موجود در سوریه توسط بازرسان سازمان منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی و کارشناسان سازمان ملل شد و از آمادگی اتحادیه اروپا برای ارائه کمک فنی به این سازمان‌ها برای از بین بردن سلاح‌های شیمیایی سوریه خبر داد. در همین حال آندرس فوگ راسموسن، دبیر کل سابق ناتو نیز توافق روسیه و آمریکا

را گامی مهم در راستای از بین بردن سلاح‌های شیمیایی در سوریه دانست و خواستار همکاری کامل و شفاف سازی دولت سوریه در این زمینه شد.

رژیم صهیونیستی

استراتژی‌های سیاسی رژیم صهیونیستی در قبال سوریه در قبال سوریه به چهار مرحله تقسیم می‌شود.

۱- سکوت رژیم صهیونیستی: همانطور که اخبار منتشر شده در ماه‌های اولیه بحران سوریه حکایت می‌کرد، برخی سیاستمداران صهیونیست با توجه به خطرناک بودن اوضاع و احتمال اینکه اگر اسد برود سلفی‌ها روی کار خواهند آمد و هم اینکه دل خوشی از اسد نداشتند، بر این باور بودند که رژیم صهیونیستی نباید وارد میدان شود بلکه غیر مستقیم به هدایت و کنترل این بحران بپردازد. در ابتدای بروز بحران، مقامات اسرائیلی هیچگونه موضعی در این خصوص اتخاذ نمی‌کردند و این به حدی بود که برخی از گروه‌های اخوانی، اسرائیل و بشار اسد را به همراهی با یکدیگر متهم می‌کردند. البته ناگفته نماند که این احتمال نیز وجود داشت که رژیم صهیونیستی به جهت بدتر نشدن اوضاع منطقه‌ای اش سکوت اختیار کرده و میدان را در اختیار آمریکا قرار می‌داد. (www.nedains)

۲- حذف بشار: گروه دیگری از سیاستمداران صهیونیست بر این مبنا که اسد، دشمن دیرینه اسرائیل بوده است ادعا می‌کنند که در هر صورت او باید از قدرت کنار برود. این گروه معتقدند که اگر اسد قدرت بیابد به اسرائیل حمله خواهد کرد و ایران نیز به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل خواهد شد و این امر منجر به قدرت گرفتن جبهه ضد صهیونیستی می‌شود. این روند نیز در برهه‌ای از زمان پیش گرفته شد که با تصمیم

حمله آمریکا به سوریه همراه شد و رژیم صهیونیستی نیز بخش‌هایی از خاک سوریه را بمباران کرد، اما با عدم همکاری اروپا و مخالفت روسیه و ایران، پاسخ نداد. با توجه به این استراتژی برخی از منافع رژیم صهیونیستی مانند عدم حمله بشار یا قدرت نگرفتن ایران تامین می‌گردد، اما با این حال نمی‌توان آن را استراتژی مناسبی و قابل اجرایی برای اسرائیل دانست.

۳- ماندن بشار: نگاه سوم معتقد به ضرورت ماندن اسد به منظور جلوگیری از قدرت یافتن سلفی‌ها است زیرا امکان حمله سلفی‌ها به رژیم صهیونیستی در شرایطی که سلاح و مهمات چندانی ندارند وجود دارد، چه رسد به اینکه آنها به منابع عظیم ارتش سوریه دست پیدا کنند و از قدرت حکومتی برخوردار شوند. این استراتژی اگرچه جلوی حمله سلفی‌ها را می‌گیرد، لیکن نمی‌تواند از قدرت گرفتن اسد جلوگیری کند.

۴- جنگ فرسایشی و حکومت ضعیف اسد: در این میان نگاه دیگری نیز وجود دارد که به نوعی متفاوت به جریان می‌نگرد و سعی دارد نوعی تعادل برقرار کرده و حداکثر منافع اسرائیل در بحران سوریه را در نظر بگیرد. این نگاه معتقد است که رژیم صهیونیستی باید در سوریه به نوعی پیش برود که این جنگ داخلی تا مدتی طولانی به درازا بینجامد و هیچ یک از طرفین منازعه نتوانند قدرت بلا منازعه داشته باشند. در این حالت نه سلفی‌ها قدرت حمله به اسرائیل را خواهند داشت و نه اسد فرصت آن را و در نتیجه مرزهای اسرائیل، امن خواهد ماند. در این حالت، جایگاه منطقه‌ای ایران تقویت نخواهد شد و جبهه مقاومت بر اثر اختلافات، تضعیف می‌شود.

روسیه

از زمان آغاز ناآرامی‌ها در سوریه، روسیه از نظام سوریه حمایت کرد و مخالفان را تحت

عنوان تروریست و رادیکال‌های اسلامی و سلفی نام برده است. حمایت از دولت بشار اسد به عنوان متحد و شریک استراتژیک خود و ممانعت از استقرار دولت متحد غرب در دمشق از دوره پساتحریم، تلاش برای برقراری توازن قدرت در خاورمیانه به ویژه در میدان سوریه، حفظ وضعیت روسیه در بندر راهبردی طرطوس در شرق مدیترانه، حضور در حیات خلوت آمریکا در پاسخ به حضور غرب در اوکراین و شرق اروپا که زمانی حوزه نفوذ روسیه بود، آزمایش انواع سلاح‌های پیشرفته موشکی و جنگنده‌های دور پرواز روسی در یک جنگ واقعی برای نخستین بار پس از زمان فروپاشی شوروی، سرگرم کردن آمریکا و غرب در سوریه با هدف انحراف توجه آنها از دخالت روسیه در اوکراین و مجموعه مشترک المنافع، به دست آوردن کارت‌هایی در سوریه برای بازی با آمریکا با هدف کاهش یا لغو تحریم‌ها که به دلیل دخالت نظامی روسیه در اوکراین علیه روسیه اعمال می‌شود، مبارزه با داعش با هدف ضربه زدن به چند هزار چچنی حاضر در اردوگاه داعش به منظور جلوگیری از بازگشت آنان به قفقاز در شمال روسیه که با توجه به مسلمان بودن و جمعیت در حال افزایش آنان در حالی که نرخ رشد جمعیت روس‌ها منفی است و از سویی تمایلات استقلال طلبانه این مناطق که می‌تواند موجب تهدید امنیت ملی این کشور شود، کمک به برقراری یک سیستم چندقطبی در نظام بین‌الملل و افزایش نقش جهانی خود از طریق کمک نسبی به مخالفان ضد هژمونی آمریکایی و ممانعت در برابر بازگشت سیاست هژمونی، افزایش نقش حیاتی روسیه و تلاش در راستای کاهش نفوذ آمریکا و غرب در خاورمیانه از طریق توسعه مناسبات با مصر در دوره حکومت ژنرال السیسی و برقراری تعامل اقتصادی گسترده با ترکیه و همچنین همکاری دفاعی و امنیتی در ایران و نقش آفرینی بیشتر روسیه در سطح بین‌المللی از طریق احاطه بر شرق مدیترانه در استمرار احاطه در شمال دریای سیاه پس از انضمام شبه جزیره کریمه به روسیه از مهمترین اهداف روسیه در سوریه به شمار می‌رود.. (کیایی، خانمحمدی: ۱۳۹۲)

ایلات متحده آمریکا

از آغاز شکل‌گیری بحران سوریه آمریکا از مخالفان اسد حمایت می‌کرد و در این راه دست به انجام اقداماتی مانند حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از مخالفان، ارجاع پرونده سوریه به شورای امنیت و تهدید به حمله نظامی زد. در خصوص مهمترین دلایل اهمیت سوریه برای آمریکا می‌توان به عدم به رسمیت شناختن از ایجاد رابطه با اسرائیل، وجود دفتر حماس در سوریه، رابطه محوری با مقاومت، نفوذ فراوان سوریه در لبنان، سوریه در مقاومت فلسطینی‌ها مقابل اسرائیل، رابطه راهبردی با ایران اشاره کرد.

واکاوی اهداف آمریکا از ایجاد بحران سوریه

۱- بالا بردن ضریب امنیت اسرائیل در منطقه: برنارد لوییس که کتاب‌های زیادی درباره اسلام و مسلمانان نوشته و او را تئوریسین سیاست‌های استیلا و حاکمیت و دخالت آمریکا در منطقه می‌دانند در کتاب‌های خود از جمله ریشه‌های خشم اسلامی با عنوان کردن اصطلاح برخورد تمدن‌ها که بعدها الهام بخش هانگتینتون در نظریه‌هایش بود؛ طرح تفکیک و کوچک سازی جهان اسلام را مطرح کرد. طبق طرح لوییس، سوریه نیز باید به اصول و مبانی مذهبی و نژادی به ۴ کشور کوچک تقسیم شود؛ کشورهای عربی شیعیان در امتداد سواحل مدیترانه، کشور کردنشین در منطقه حلب، کشور سنی‌ها در دمشق و کشور دروزی‌ها در جولان و لبنان در بخشی از مناطق جنوب سوریه، شرق اردن و لبنان.

۲- بازنگری سوریه در برقراری روابط راهبردی با ایران: پس از تحکیم روابط راهبردی سوریه با ایران و با پیشرفت اقتصادی و تکنولوژیک ایران، همکاری میان این دو کشور چنان گسترش یافت که رفتاری‌هایی برای آمریکا و اسرائیل به وجود آورد. آمریکا، ایران و سوریه

را به قتل بشیر جمیل و گلوله باران مراکز نظامی اسرائیل در صور در نوامبر ۱۹۸۲ میلادی و حمله به پایگاه‌های ارتش‌های آمریکا و فرانسه در اکتبر سال ۱۹۸۳ در لبنان متهم کرد. در سپتامبر ۱۹۸۴ سفارت آمریکا در بخش شرقی بیروت گلوله باران شد که در نتیجه نیروهای آمریکایی ناچار شدند از لبنان عقب نشینی کرده و به دنبال اسرائیل در ۱۹۸۵ از بیشتر بخش‌های خاک لبنان عقب نشینی کنند. سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به مدیترانه و خاور نزدیک دارد. ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگریده که عناصر خارجی آمریکا، اسرائیل و عربستان بر شدت آن می‌افزایند و از سوی دیگر با درخواست‌های اصلاحات در سوریه و در چارچوب حکومت حاکم تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود حمایت کرده است. این امر می‌تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بیافزاید.

۳- قطع حمایت سوریه از جبهه مقاومت: سوریه وارد بازی‌های منفعت طلبانه آمریکا در منطقه نمی‌شود. بحران سوریه نشانه دیگری است از آنچه مدت‌ها ست درباره آن حرف می‌زنند. هدف آوردن دموکراسی برای مردم سوریه نیست بلکه هدف سرنگونی رژیم بشار اسد است. در این راه از روشی بسیار کارآمد و معتبر استفاده شده است استفاده از مردمی که خواستار آزادی بیشتر بودند زیرا اسد برای منافع آمریکا و اسرائیل ناخوشایند است. با سرنگونی و روی کار آمدن دولت دست نشانده آمریکا نه تنها از مقاومت حمایت می‌شود بلکه به عکس دولتی حامی اسرائیل در همسایگی آن شکل خواهد گرفت. (امینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱)

نقش آمریکا در ارجاع پرونده سوریه به شورای امنیت

ائتلافی صهیونیستی- غربی- عربی- ترکیه‌ای به رهبری آمریکا به دنبال تزلزل سوریه به عنوان یکی از ارکان جبهه مقاومت بودند تا به گمان خود از شبیه سازی حرکت‌های مردمی در تونس، مصر و لیبی برای سرنگونی بشار اسد و در نهایت دگرگونی در فضای خاورمیانه بهره برداری کند. به رغم تمام تحرکات صورت گرفته، سناریوهای متعدد طراحی شده علیه سوریه به دلیل وحدت میان ملت و دولت سوریه و عدم همراهی جهانی با فتنه گران با ناکامی همراه شد، در حالی که روند تحولات ماهیت اصلی ناآرامی‌های سوریه را نیز برملا کرد.

در نهایت در حرکتی عربی- غربی و صهیونیستی پرونده سوریه به تمام اتحادیه عربی در اواسط بهمن ماه سال ۱۳۹۰ در شورای امنیت بازگشایی شد تا از فضای بین‌المللی برای اجرای اهداف ضد سوری و اجرای خواسته‌های غرب در سوریه مدنظر قرار گرفته بود. به رغم تحرکات گسترده کشورهای عربی و غربی، پیش نویس این قطعنامه از سوی چین و روسیه وتو شد و آنها رسماً اعلام کردند که پذیرنده این طرح نخواهند بود. وتوی همزمان چین و روسیه که از موارد نادر وتو در شورای امنیت می‌باشد با واکنش‌های گسترده جهانی همراه شد و به نوعی معادلات منطقه‌ای و جهانی را دگرگون کرد. به ویژه این که پرونده سوریه به نوعی به جدال میان شرق و غرب تبدیل شد و براساس پیش نویس قطعنامه‌ای که در شورای امنیت بازگشایی شد مواردی مانند کناره گیری اسد از قدرت و واگذاری امور به معاونین ایران برای تشکیل دولت وحدت ملی و نیز آزادی غرب برای مداخله در امور سوریه گنجانده شده بود. نکته قابل توجه آنکه کشورهای غربی که تا آن زمان به صورت پنهان و نیمه آشکار در قبال سوریه موضع گیری می‌کردند، آشکارا در صحنه حضور یافتند به گونه‌ای که هیلاری کلینتون، هیک و ژوپه وزرای خارجه آمریکا، انگلیس و فرانسه شخصا در نشست شورای امنیت حاضر شدند و در این میان ترکیه و

رژیم صهیونیستی اعمال فشار بر سوریه را مورد حمایت قرار می‌دادند که در نهایت جدال میان دو دیدگاه به توتی قطعنامه غربی- عربی از سوی روسیه و چین منجر شد.

عربستان

رویکرد تهاجمی به نظام و حمایت از معارضین

در ارزیابی اقدامات عربستان سعودی می‌توان گفت، در فرصت بهار عرب، ملک عبدالله، شیپور تغییر در سوریه را به صدا درآورده است. وی در بیانیه‌ای غیر منتظره گفت که ادامه کشتار در خیابان‌های سوریه برای عربستان غیر قابل قبول است و توسط اسلام چشم پوشی نمی‌شود. سعودی‌ها مایل‌اند سوریه را سرنگون سازند و برای این تصمیم دلایل ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی فراوانی دارند. (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۱) عربستان سعودی برای پیشبرد اهداف خود از قدرت سخت و از گروه‌های سلفی‌های مسلح و وابسته به القاعده حمایت می‌کند، سعودی‌ها نمی‌توانند طرفدار اصلاحات یا انتخابات در سوریه باشند چون در این کشور انتخابات آزاد، هرگز وجود نداشته است. همچنین آنها طرفدار تشکیل دولتی در سوریه هستند که هم راستا با منافع خود در منطقه باشد و هم از نفوذ ایران در منطقه نیز جلوگیری به عمل آورد. عربستان در راستای رسیدن به هدف خود از مکانیسم‌های مختلفی استفاده کرد. از جمله ساز و کارهای عربستان برای مداخله در سوریه، می‌توان به حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از مخالفان نظام سوریه، همچنین تحریک اختلافات قومی و مذهبی در داخل سوریه، به کارگیری ابزارهای نرم افزاری و به راه انداختن جنگ روانی اشاره کرد. حمایت‌های مالی و معنوی عربستان از معارضین سوری امروزه دیگر امری پذیرفته شده است؛ در این میان عربستان نقش جدید و فعال خود را در ساقط کردن نظام بشار اسد می‌بیند. عربستان، قطر و ترکیه با حمایت و مسلح

سازی گروه‌های تروریستی، موجب بسته شدن افق گفتگو و حل مسالمت آمیز بحران و وارد شدن خسارات مادی و تلفات انسانی به ملت سوریه شده‌اند. (کرمی، ۱۳۹۰: ۹۴-۹۳) این کشور، علاوه بر حمایت مالی گسترده از مخالفان، با نقش آفرینی در اتحادیه عرب سبب تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب شد. همچنین علاوه بر حمایت از گروه‌های سلفی و تروریستی، حمایت گسترده رسانه‌ای از مخالفان با رسانه‌هایی همچون شبکه تلویزیونی العربیه و روزنامه‌های الحیات و الشرق الاوسط نیز از سایر اقدامات عربستان بوده استو (برزگر، ۱۳۹۲: ۱۹۳) عربستان سعودی همواره پشتیبان فکری و مالی گروه‌های سلفی و وهابی تند رو در منطقه و جهان بوده است. این کشور از این گروه‌ها جهت پیشبرد منافع خود استفاده می‌کند و نگاهی ایدئولوژیک به منطقه دارد. در همین راستا، گزارش‌های رسیده حاکی از نقش عربستان سعودی و پشتیبانی مالی مخالفان حکومت سوریه به خصوص از گروه‌های سلفی رادیکال است. (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۱) دخالت‌های عربستان در سوریه با حمایت‌های مالی، تبلیغاتی و تسلیحاتی از گروه‌های مسلح، مانع امنیت و ثبات در این کشور شده است. "بندر بن سلطان" تلاش فراوانی برای اقناع مسکو برای جلوگیری از ارسال تجهیزات نظامی به ارتش سوریه انجام داده است. سفر «بندر بن سلطان» به روسیه با هدف بازداشتن «ولادیمیر پوتین» از پشتیبانی سوریه انجام شد. ریاض در قبال کوتاه آمدن روسیه از بشار اسد و عدم در اختیار گذاشتن تجهیزات نظامی به دولت سوریه، پیشنهاد خرید تجهیزات نظامی به قیمت ۱۵ میلیارد دلار را به مسکو داد. (الشرق‌اوی، ۲۰۱۳) همچنین در صورت قبول مسکو در مورد عدم حمایت از بشار اسد در شورای امنیت و عدم رد قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل بر علیه سوریه تعهد می‌کند که قطر با صادرات گاز روسیه به اروپا رقابت نخواهد داشت و حضور پایگاه نظامی روسیه در بندر طرطوس را به رسمیت بشناسد. (البستانی، ۲۰۱۳) اما رئیس‌جمهور روسیه، پیشنهاد عربستان در مورد کناره‌گیری از

قضیه سوریه را رد کرد. خطاب «ولادیمیر پوتین» به بندر این بود که روسیه متحدین خود را به مشتی از نقره نمی‌فروشد. به همین دلیل بندر اظهار داشت که جنگ تنها گزینه، و راه حل باقی مانده، حمله نظامی است و متحدین سوریه باید کنفرانس ژنو را فراموش کنند. (عبد الباری، ۲۰۱۳) با شکست طرح آل سعود که با هدف بازداشتن روسیه از پشتیبانی سوریه انجام شد؛ «بندر بن سلطان» درخواست خود به آمریکا را مبنی بر ادامه خونریزی و حمایت از مخالفان مطرح کرد. رئیس دستگاه اطلاعاتی عربستان بر کمک به مخالفان دولت سوریه تمرکز داشت و در تلاش برای اقدام نظامی علیه دمشق، نقشی محوری ایفا می‌کرد. پس از اینکه آمریکا اعلام کرد که اقدام به حمایت تسلیحاتی از گروه‌های مسلح در سوریه خواهد کرد، عربستان سعودی مسئولیت ارسال سلاح‌های پیشرفته و جدید را برای معارضان سوری برعهده گرفت و در این راه قراردادهایی تسلیحاتی با چندین کشور منعقد کرد. تجهیزات نظامی که عربستان با هزینه خود برای گروه‌های مسلح در سوریه فرستاده از طریق اردن و پس از اعمال سیاست چماق و هویج ریاض برای اینکه خط پشتیبانی از گروه‌های مسلح در سوریه را از طریق خاک خود بگشاید، فرستاده شد. (الفاس، ۲۰۱۳) در واقع رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان و سوریه، اختلافات ایدئولوژیکی: و تقابل جبهه مقاومت با محافظه‌کاری عربی، نزدیکی استراتژیک سوریه با ایران از مهمترین دلایل اتخاذ رویکرد تهاجمی عربستان در قبال سوریه به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری:

از آغاز سال ۲۰۱۱، خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد تحولات اساسی و آبدستن تغییرات جدی بوده است. در پی جنبش‌های مردمی و تحولات جدید در خاورمیانه و شمال آفریقا

بسیاری از نظام‌های سیاسی و نظم منطقه‌ای تغییر یافته و الگوهای مختلفی از تحولات در کشورهای مختلف رخ داده است که تفاوت‌های زیادی با هم داشته‌اند. در این میان وضعیت سوریه با کشورهای دیگر متفاوت است. در خصوص شکل‌گیری بحران سوریه باید گفت؛ اعتراضات این کشور در ابتدا عمدتاً خودجوش و با الهام گرفتن از سایر انقلاب‌ها بود و مرکز ثقل اعتراضات به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای، پیرامونی و شهرهای کوچک سوریه برای مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی بود، اما به تدریج و با نقش آفرینی سایر کشورها این وضعیت در سوریه تغییر یافت. در واقع موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی شکل تازه‌ای به معادلات سیاسی سوریه بخشیده است، به گونه‌ای که برخی از دوستان قدیم را رویاروی یکدیگر قرار داده و از سوی دیگر رقبای استراتژیک را در عرصه سیاست سوریه به یکدیگر نزدیک کرده است. بحران سوریه جدا از خواسته‌ها و سرنوشت مردم، بعضی کشورهای خارجی در آن ذینفع هستند که هر یک منافع خود را دنبال می‌کنند و این پیگیری منافع برای بعضی‌ها در تغییر رژیم بشار اسد و برای بعضی‌ها در ابقای آن است، به طور کلی می‌توان بازیگران فعال در عرصه بحران سوریه را به دو دسته تقسیم کرد؛ گروه اول دولت‌هایی هستند که با تأکید بر حل منازعه سوریه از طرق مسالمت‌آمیز خواهان ایجاد اصلاحات اساسی در این کشور بدون هرگونه مداخله خارجی نظامی هستند. گروه دوم شامل کشورهایی است که انگیزه‌های مختلفی را از مداخله در امور سوریه دنبال می‌کنند اما هدف مشترک برکناری اسد، آنها را در کنار یکدیگر قرار داده است. همچنین احساس خطر یا تهدید مشترک باعث نزدیکی این بازیگران شده است و کانون این احساس خطر متوجه ایران و قدرت منطقه‌ای آن است.

منابع فارسی:

- آجرلو، حسین (۱۳۹۰)، بحران سوریه و رقابت‌های منطقه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- برزگر، کیهان (۱۳۹۲)، تحولات عربی، ایران و خاورمیانه، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
- علی اکبر امینی، رحمت ابراهیمی و سعید آقاعلیخانی (۱۳۹۲)، بحران سوریه و مشاهده آمریکا در آن، پژوهشنامه روابط بین‌الملل
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دوم، تهران، سمت
- نای، جوزف، اس (۱۳۸۷)، قدرت در اطلاعات، از واقع‌گرایی تا جهانی شدن، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات

- احمدخان بیگی، سمانه (۱۳۹۲)، تأثیر سیاست آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال بحران سوریه بر اختلافات فرآتلانتیک، فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و هفتم، شماره ۴
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱)، بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای، مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره پنجم
- داود کیایی و زهره خانمحمدی (۱۳۹۲)، واکاوی علل حضور روسیه در بحران سوریه، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۹
- سید امیر نباکویی و علی اصغر ستوده (۱۳۹۱)، ماهیت راهبرد عربستان سعودی علیه انقلاب اسلامی ایران در منازعات سوریه و عراق، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۷
- سید امیر نباکوئی و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴

- طالب ابراهیمی و محسن ابراهیمی (۱۳۹۲)، علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات افکار عمومی، سال دوم، شماره هفتم
- کرمی، کامران (۱۳۹۰) بهار عربی و عربستان سعودی: آثار و واکنش‌ها، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، نقش و راهبرد آمریکا در گسترش نافرمانی مدنی سوریه، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره ۳

منابع عربی:

- البستانی، ناجی. س (۲۰۱۳)، السعودیه حاولت سحب الدعم الروسي للاسد...هل نجحت؟، موقع بانوراما الشرق الاوسط
- الشرقاوی، احمد (۲۰۱۳)، السعودیه ومخططاتها الجديده فی سوریه و لبنان، موقع بانوراما الشرق الاوسط
- الفاس، إسرائ (۲۰۱۳)، بندر السعودیه : فليكن التفجير!، موقع قناه المنار
- باکیر، علی حسین (۲۰۱۱)، محددات موقف التركي من الازمه السوریه، سلسله دراسات و اوراق بحثیه، الدوحه: المركز العربی للابحاث و دراسه السياسيات
- حسام، مطر (۲۰۱۳)، تركيا فی الشرق الاوسط بين الطموح وقيود النفوذ، فصلیه شؤون الاوسط، بیروت، شتاء ۲۰۱۰۳، رقم ۱۴۴
- عبد الباری، عطوان (۲۰۱۳)، الامیر بندر هدد بالحرب .. وها هو اوباما يستعد للتنفيذ، موقع بانوراما الشرق الاوسط

خبرگزاری

- حسینی، سید محمد (اردیبهشت ۱۳۹۱)، نگاهی به سیاست خارجی ترکیه در سالهای اخیر؛ چیرگی کمالیسم بر پراگماتیسم، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۹